

در استقبال از ثبت جهانی هنر آئینه کاری در معماری ایرانی

محمد جواد حق شناس، پژوهشگر فرهنگی و عضو اسبق شورای شهر تهران



ثبت جهانی «هنر آینه کاری در معماری ایرانی» صرفاً افزوده شدن نام یک هنر سنتی به فهرست یونسکو نیست؛ بلکه بازتابی از یک دگردیسی هویتی است. ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده است میراث خود را نه فقط در قالب نشانه‌های تاریخی، بلکه در ساختارهای نرم هویت ملی بازخوانی کند؛ هویتی که بیش از آنکه بر جلوه‌های سخت‌افزاری استوار باشد، بر جهان‌بینی و تجربه زیسته ایرانی بنا شده است.

آینه کاری یکی از برجسته‌ترین مصادیق این جهان‌بینی است؛ هنری که از پیوند میان آیین‌های نور، زیبایی‌شناسی ایرانی و ریاضیات پیچیده گره‌سازی شکل گرفته و امروز بر تارک میراث ناملموس جهانی می‌درخشد.

آینه کاری؛ هنر ایرانی دیدن جهان با نور- در فرهنگ ایران، آینه ماده‌ای خام یا یک وسیله کاربردی نیست؛ استعاره‌ای است از پاکی، خودشناسی و نگرستن به حقیقت. در سنت باستانی، آب و آینه نماد صفا و زدودگی‌اند و همین معنا بعدها در متون عرفانی بازتاب یافت؛ جایی که آینه گاه نماد قلب انسان و گاه نماد جهان روشنایی محور ایرانی است. این نگاه، آینه کاری را از یک فن تزئینی فراتر می‌برد و به آن نقشی معرفتی و معنوی می‌بخشد. هنر آینه کاری به واقع بازتاب شیوه‌ای ایرانی از فهم عالم است؛ شیوه‌ای که نور را نه فقط عنصر بصری، بلکه بن‌مایه معنا می‌داند.

از صفویه تا قاجار؛ دوره بلوغ یک هنر ایرانی- آینه کاری به عنوان یک هنر سامان یافته از دوره صفویه چهره مشخص‌تری پیدا کرد.

با ورود آینه‌های مرغوب اروپایی، استادکاران ایرانی به سرعت این ماده نوظهور را با ذوق و هندسه بومی درآمیختند. نتیجه این پیوند، تولد یکی از پیچیده‌ترین هنرهای هندسی جهان بود. در زندیه و قاجار، آینه کاری به

اوج رسید: تالار آینه کاخ گلستان، تالارهای باشکوه شیراز و اصفهان و خانه‌های اعیانی کاشان همه گواه توانایی استادکارانی هستند که بدون ابزارهای مدرن، با چشم و دست و تجربه نسل‌ها، هندسه‌ای درخشان را بر سطوح بناها ترسیم کرده‌اند. این هنر از آغاز با علم و شهود در آمیخته بود: دانش گره‌سازی، ریاضیاتی نهفته در ترکیب‌بندی‌ها و فهم نور در فضا. آینه‌کاری حاصل جمع زیبایی، عقلانیت و معنویت ایرانی است.

ورود به اماکن مقدس؛ تبدیل نور به تجربه قدسی - نقطه عطف آینه‌کاری زمانی رقم خورد که این هنر وارد عرصه معماری مذهبی شد. در حرم امام رضا (ع) و سپس در اعتبار مقدسه نجف، کربلا، سامرا و کاظمین، آینه‌کاری نه فقط افزایش دهنده نور، بلکه خالق تجربه‌ای معنوی شد. بازتاب هزاران قطعه کوچک آینه، تصویری شکسته و تکثیر شده از انسان در برابر نور می‌سازد؛ تصویری که نماد فروتنی و شکستن منیت تلقی می‌شود.

در رواق‌ها، گنبدخانه‌ها و دهلیزهای حرم‌ها، آینه‌کاری به نوعی «معماری معرفت» تبدیل شده است؛ معماری‌ای که زیباشناسی ایرانی را با معنویت دینی در آمیخته و سبکی را پدید آورده که امروز در جهان اسلام یگانه است.

حضور همزمان در کاخ‌های سلطنتی و خانه‌های اعیانی - یکی از ویژگی‌های ممتاز آینه‌کاری، دوگانگی کارکرد آن است: هنر مزین‌کننده فضاها و قدسی است و در عین حال ابزار نمایش شکوه در کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی. تالار آینه ناصرالدین‌شاهی، تالارهای باغ ارم و نصیرالملک، خانه بروجردی‌ها و ده‌ها نمونه دیگر نشان می‌دهد که آینه‌کاری چگونه نور را در معماری ایرانی به عنصر سازنده فضا تبدیل کرده است. این هنر افزاینده وسعت بصری، زداینده تیرگی و سازنده تعادل میان هندسه و نور است.

آن سوتر از زیبایی؛ آینه‌کاری به عنوان دانش ایرانی - پشت هر سطح آینه‌کاری شده، دانشی نهفته است که از مرز هنر عبور می‌کند:

- هندسه گره‌های پیچیده

- محاسبه دقیق برش‌ها

- انتخاب جهت نور

- ترکیب آینه، شیشه رنگی، گچ، کتیبه و تذهیب

اینها نظامی معرفتی است که استادکاران ایرانی قرن‌ها با دقت صیقل داده‌اند. به همین دلیل است که ثبت جهانی آینه کاری صرفاً ثبت یک «فن» نیست؛ ثبت یک «شیوه اندیشیدن» است.

پیشگامان گمنام و برجسته‌سازی نقش زنان در میراث ایرانی

بسیاری از استادان بزرگ آینه کاری نامی بر کتیبه‌ها ندارند؛ اما آثارشان همچون امضاهایی پنهان در رواق‌ها و تالارها باقی مانده است. در این میان، باید نام و یاد استادکارانی را گرامی داشت که طی سده‌ها این هنر را به ما رسانده‌اند. استادان نسل‌های گذشته در اصفهان، کاشان، شیراز، یزد، تهران، زنجان و کرمانشاه، اغلب بدون آنکه نامشان بر سر در بنایی نقش بسته باشد، میراثی گرانبها پدید آورده‌اند.

استاد «عبدالله آینه کار اصفهانی»، استاد «محمدحسن کاشی»، استاد «رضا آینه کار تهرانی» و گروهی از آینه کاران که آثارشان هنوز در کاخ‌ها و حرم‌ها می‌درخشد، حلقه اتصال ما به گذشته‌اند. این حلقه اگر گسسته شود، بازسازی آن تقریباً ناممکن است.

در کنار این استادان گمنام، برخی چهره‌ها در تاریخ هنر ایران نقشی بی‌بدیل داشته‌اند. از آن جمله، ستاره فرمانفرمایان است؛ پژوهشگری پیشرو که سهم مهمی در شکل‌گیری نگاه علمی و روشمند به مرمت و مستندسازی هنرهای سنتی داشت. نقش او و زنانی همچون او، یادآور این حقیقت است که پاسداری از هنر ایرانی تنها بر دوش استادکاران کارگاه‌ها نیست؛ بلکه حاصل همراهی پژوهشگران، معماران و اندیشمندان است که میراث را به زبان علم و تجربه ثبت کرده‌اند.

ثبت جهانی؛ فرصت یا مسوولیت؟

ثبت جهانی آینه کاری در یونسکو دو پیام روشن دارد؛ نخست، بازشناسی جایگاه تمدنی ایران در سپهر فرهنگ جهانی است؛ اینکه هویت ایرانی نه بر قدرت سخت که بر عمق فرهنگ استوار است. دوم، این ثبت مسوولیتی بزرگ‌تر بر دوش ایران می‌گذارد: حفاظت از کارگاه‌های سنتی، تربیت نسل جدید استادکاران، حمایت از مرمتگران و تقویت حضور بین‌المللی هنرهای ایرانی.

در جهانی که «قدرت نرم» به شاخص اصلی رقابت فرهنگی تبدیل شده، آینه کاری می‌تواند یکی از نمادهای دیپلماسی فرهنگی ایران باشد؛ سرمایه‌ای که از دل رواق‌ها و تالارها برخاسته و امروز در ساحت جهانی معنا یافته است.

آینه کاری؛ روایت ایرانی روشنائی - آینه کاری در نهایت روایت مکتوب یک تمدن نیست؛ روایت «منعکس شونده» آن است. هنر نور است، هنر دیدن جهان با روشنائی. هنری که از تالارهای تاریخی تا رواق‌های قدسی امتداد یافته و امروز در فهرست جهانی می‌درخشد.

ثبت جهانی این هنر نه پایان یک مسیر، بلکه آغاز تعهدی تازه برای پاسداری از میراثی است که هم زیبایی است، هم دانش، هم معنویت و هم سربلندی و افتخار برای ایرانِ جان.

(منبع: روزنامه اعتماد ۲۳ آذر ۱۴۰۴، عنوان یادداشت "از تالارهای تاریخی تا فهرست جهانی" بوده است.)

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ انتشار در سامانه کمیسیون : ۱۴۰۴/۹/۲۴

